

مسئولیت پزشک

در مورد ضمانت پزشک قبلاً بحث کرده‌ایم اما برخی از صور و فروع مساله باقی مانده است. یک مساله، مسئولیت پزشک معالج است که خودش حالات و فروع متعددی دارد:

گاهی خودش مباشر در انجام کار و درمان است و در اثر کار او بیمار خسارت می‌بیند و جنایتی بر او اتفاق می‌افتد که معمولاً در بحث ضمانت پزشک در کلام فقهاء همین فرض مورد نظر است.

و گاهی پزشک مباشر در انجام کار نیست بلکه صرفاً درمان را تجویز و توصیه می‌کند (حال یا با نوشتن نسخه یا با توصیف و گفتن آن) و مباشر در درمان یا خود بیمار است یا شخص دیگری است. این فرض معمولاً در کلام فقهاء مورد نظر نیست و کسانی هم که به آن اشاره کرده‌اند معمولاً ضمانت را از پزشک نفی کرده‌اند و البته برخی دیگر مثل مرحوم آقای بروجردی در این موارد هم به ضمانت معتقد شده‌اند مگر اینکه پزشک از بیمار برائت گرفته باشد.

البته ابن ادریس برای برائت گرفتن پزشک هیچ ارزشی قائل نیست و گفته است اگر کاری که انجام می‌دهد با اذن بیمار باشد و بیمار عاقل و بالغ باشد در این صورت هر اتفاق بیافتد بر عهده خود بیمار است و پزشک ضامن نیست اما اگر با اذن بیمار نباشد یا بیمار اهلیت اذن نداشته باشد مثلاً صبی یا مجنون باشد در این صورت پزشک ضامن است مگر اینکه از ولی او اخذ برائت کرده باشد.

عبارت سرائر این گونه است:

«و من تطیب، أو تبیطر فلیأخذ البراءة من ولی من یطیبه، أو صاحب الدابة، و الا فهو ضامن إذا هلك بفعله شيء من ذلك. هذا إذا كان الذي جنی علیه الطیب غیر بالغ، أو مجنوناً، فاما إذا كان عاقلاً مکلفاً، فأمر الطیب بفعله شيء، ففعله علی ما امره به، فلا یضمن الطیب، سواء أخذ البراءة من الولی، أو لم يأخذ، و الدلیل علی ما قلناه، ان الأصل براءة الذمة، و الولی لا یكون الا لغير المكلف. فاما إذا جنی علی شيء لم یؤمر بقطعه، و لا بفعله، فهو ضامن، سواء أخذ البراءة من الولی، أو لم يأخذها.» (الکافی، جلد ۳، صفحه ۳۷۳)

در عبارت «فأمر الطیب بفعله شيء» طیب مفعول امر است نه فاعل آن یعنی اگر بیمار به پزشک بگوید کاری را انجام بدهد و او کار را دقیقاً مطابق آنچه گفته است انجام بدهد و خسارتی متوجه بیمار بشود پزشک ضامن نیست حتی اگر از ولی اخذ برائت هم نکرده باشد چون اصل برائت ذمه است و روایت وارد شده در مورد نفی ضمانت پزشک در صورت اخذ برائت در مورد غیر مکلف است چون انسان بالغ و عاقل ولی ندارد.

سپس فرموده اگر پزشک کاری را انجام بدهد که بیمار به آن دستور نداده است پزشک ضامن است حتی اگر از ولی بیمار اخذ براءت کرده باشد.

پس از نظر ایشان معیار عمل به خواسته بیمار یا تعدی از آن است نه اخذ براءت و عدم آن. محقق در شرائع نظر ابن ادریس را نقل کرده است:

«الأولى الطبيب يضمن ما يتلف بعلاجه إن كان قاصراً أو عاجلاً طفلاً أو مجنوناً لا بإذن الولي أو بالغاً لم يأذن ولو كان الطبيب عارفاً وأذن له المريض في العلاج فآل إلى التلف قيل لا يضمن لأن الضمان يسقط بالإذن لأنه فعل سائغ شرعاً وقيل يضمن لمباشرة الإتيان وهو أشبه فإن قلنا لا يضمن فلا بحث وإن قلنا يضمن فهو يضمن في ماله و هل يبرأ بالإبراء قبل العلاج قيل نعم (لرواية السكوني عن أبي عبد الله ع قال قال أمير المؤمنين ع: من تطب أو تبيطر فليأخذ البراءة من وليه وإلا فهو ضامن) ولأن العلاج مما تمس الحاجة إليه فلو لم يشرع الإبراء تعذر العلاج وقيل لا يبرأ لأنه إسقاط الحق قبل ثبوته.» (شرائع الاسلام، جلد ۴، صفحه ۲۳۱)

منظور ایشان از «قاصر» در مقابل مقصر نیست بلکه در مقابل عارف است که در ادامه آمده است. البته آنچه محقق نقل کرده است شاید با کلام ابن ادریس تفاوتی داشته باشد ظاهر کلام ابن ادریس این بود که مثلاً اگر بیمار به پزشک گفت آپاندیس من را عمل کن و او این کار را انجام داد ضامن نیست اما ظاهر عبارت محقق این است که اگر بیمار به پزشک دستور بدهد او را معالجه کند هر چند نوع درمان را مشخص نکند و پزشک به تشخیص خودش درمان را انتخاب می کند و انجام می دهد. در هر حال محقق نقل کرده که برخی به عدم ضمان معتقدند چون کار به اذن بیمار بوده و کاری هم هست که شرعاً جایز بوده است و برخی دیگر گفته اند ضامن است چون مباشر در اتلاف است و محقق هم این نظر را پذیرفته است. سپس هم فرموده است که این ضمان در مال خود پزشک است که اشاره است به اختلافی که وجود دارد که این جنایت خطایی است یا شبه عمد است؟ گفته شده است جنایت پزشک شبه عمد است چون نسبت به خود فعل قصد داشته اما نسبت به نتیجه قصد نداشته و آلت و فعل هم نوعاً کشنده نبوده است پس در نتیجه جنایت پزشک در مال خود او است.

ما قبلاً به صورت مفصل ضابطه جنایت شبه عمد را توضیح داده ایم و از تکرار آن خودداری می کنیم. مرحوم محقق در ادامه به تأثیر اخذ براءت اشاره کرده است و اینکه برخی گفته اند اخذ براءت موجب عدم ضمان پزشک است و دلیل آن هم روایت سکونی است و اینکه اگر بنابر ضمان پزشک حتی در این موارد باشد کسی متصدی علاج نمی شود و برخی گفته اند اخذ براءت تأثیری ندارد چون اسقاط ما لم يجب است و در این مسأله نظر خود را تعیین نکرده است.

یکی دیگر از مباحث مرتبط با ضمان پزشک فرض تجویز و توصیه درمان توسط پزشک به پزشک دیگر یا پرستار است. مشهور در این صورت هم پزشک ضامن نیست چون فرضاً نه مقصر است و نه مباشر در اتلاف و جنایت است اما آن پزشک یا پرستار که دستور آن پزشک را انجام داده است چون مباشر در اتلاف و جنایت است ضامن است مگر با اخذ براءت و احتمال دیگر این است که پزشکی که علاج را تجویز کرده است ضامن است و او است که باید براءت بگیرد و احتمال سوم این است که هیچ کدام از آنها ضامن نباشند.

مرتبط با همین بحث مسئولیت پزشک داروساز یا مسئول داروخانه است که داروی تجویزی توسط پزشک

را می‌سازد یا به بیمار تحویل می‌دهد و خسارتی اتفاق می‌افتد و هم چنین فرضی که داروساز یا مسئول داروخانه در اثر خطا و اشتباه موجب ایراد خسارت بشود و البته مواردی که با علم دارو را تغییر می‌دهد در حقیقت نوعی طبابت است که داخل در صورت‌های قبل است.